



## مقایسه اثر بخشی الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی - سیستمی گاتمن در تعارض‌های زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق

دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران  
استادیار، گروه مشاوره، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.  
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.  
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

حسن ناصری <sup>id</sup>  
وحیده باباخانی\* <sup>id</sup>  
مجتبی امیری مجد <sup>id</sup>  
علیرضا جعفری <sup>id</sup>

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲ | ایمیل نویسنده مسئول: vahidehbabakhan@yahoo.com

### فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰  
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۱ پیاپی ۱۵ | ۴۶۶-۴۹۰  
بهار ۱۴۰۲

### نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:  
درون متن:

(ناصری، باباخانه، امیری مجد و جعفری، ۱۴۰۲)

### در فهرست منابع:

ناصری، حسن، باباخانی، وحیده، امیری مجد، مجتبی، و جعفری، علیرضا. (۱۴۰۲). مقایسه اثر بخشی الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی - سیستمی گاتمن در تعارض‌های زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق. *خانواده درمانی کاربردی*. ۴(۱)، ۴۶۶-۴۹۰.

### چکیده

**زمینه و هدف:** پژوهش پیش رو با هدف مقایسه اثر بخشی الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی - سیستمی گاتمن در تعارض‌های زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری بود. در این پژوهش از تعداد ۸۵ زوج که به جهت اختلافات زناشویی و درخواست طلاق در طول سال ۱۳۹۹ به کلینیک مداخلات روان شناختی روان پویا مراجعه نمودند با توجه به شرایط پژوهش و با روش نمونه گیری در دسترس ۲۱ زوج به عنوان نمونه پژوهش انتخاب و به صورت تصادفی در سه گروه (گروه آزمایش ۱، گروه آزمایش ۲ و گروه گواه) قرار داده شدند. سپس گروه آزمایش اول در طول ده جلسه تحت آموزش الگوی مک مستر (اپشتاین و همکاران، ۱۹۷۸) و گروه آزمایش دوم نیز طی ده جلسه تحت آموزش رویکرد سیستمی گاتمن (گاتمن، ۲۰۱۹) قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (گاتمن، ۲۰۰۸) و پرسشنامه تعارضات زناشویی (ثنایی، ۱۳۷۵) بود که در سه مرحله پیش‌آزمون، پس‌آزمون و آزمون پیگیری (سه ماهه) بود که بکار برده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس دو راهه (آمیخته) نشان داد که هر دو رویکرد درمانی بکار برده شده در پژوهش (مک مستر و گاتمن) موجب کاهش طلاق عاطفی ( $F=1598/03$ ;  $P<0/001$ ) و نیز کاهش تعارضات زناشویی ( $F=207/14$ ;  $P<0/001$ ) در زوجین بوده است و از طرفی در سنجش ماندگاری اثر نیز که مرحله پیگیری صورت پذیرفت هر دو رویکرد نتایج مثبت را نشان داد. در برآورد آزمون تعقیبی بونفرنی مشخص شد بین دو رویکرد تفاوت معناداری وجود دارد و این بدین معنا است که میزان اثربخشی رویکرد مک مستر در کاهش طلاق عاطفی و نیز کاهش تعارضات بین زوجین در مقایسه با رویکرد گاتمن بیشتر می‌باشد. **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش به مشاوران و روانشناسان پیشنهاد می‌شود رویکرد کارکردی مک مستر را در کار با زوجین درخواست کننده طلاق مورد توجه قرار دهند.

**کلیدواژه‌ها:** الگوی کارکردی مک مستر، مدل شناختی، سیستمی گاتمن، طلاق عاطفی، تعارضات زناشویی.

## مقدمه

مسائل و موضوعات خانواده<sup>۱</sup> و ازدواج در نگرش ابتدائی و در ظاهر مباحث ساده‌ای به نظر می‌آیند، زیرا شاکله اصلی تمام جوامع را خانواده‌ها تشکیل داده اند (برون و گلانز، ۲۰۲۰) و زمینه تمامی فرهنگ‌ها در همین بستر و در مرحله بعدی در بستر اجتماع شکل می‌گیرند (مهرابی، ۱۳۹۹) و از عوامل مهم و موثر بر سلامت روان جامعه می‌توان به خانواده به عنوان مهمترین جزء که عهده دار نقش کلیدی در شکل‌گیری جوامع است پرداخت (متین و حیاتی، ۱۳۹۶) در واقع خانواده به عنوان اصلی‌ترین و مهمترین عنصر حیاتی جامعه و تمدن بشری به شمار می‌آید (هویت و چرچیل، ۲۰۲۰) و شناسایی عوامل مختلف مشکلات آن و تلاش برای ارائه الگوهای درست می‌تواند باعث ارتقای سلامت عمومی جامعه شود (کرایبی و همکاران، ۱۴۰۰).

فضای خانواده نخستین جایی است که الگوهای شخصیتی، فکری، عاطفی و جسمی هر جزء از افراد و نهایتاً جامعه در آن پرورش می‌یابد. در واقع تمامی فرهنگها، سلامت جوامع را در گرو سلامت خانواده می‌دانند. کارکرد خانواده به عنوان تأمین‌کننده نیازهای روانی و جسمانی هر عضو است و ناکامی در وظایف آن مشکلاتی به همراه دارد که عدم توجه به آن باعث بروز مشکلات ثانویه، و تلاش در جهت رفع این مشکلات و معضلات این واحد کوچک اجتماعی می‌تواند امید بخش جامعه‌ای سالم، با ارزش و پویا باشد. به جرات می‌توان گفت که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند در ابعاد مختلف خود ادعای سلامت کند مگر آنکه از خانواده‌های سالم برخوردار باشد (اردلان و اردلان، ۱۳۹۵). با عنایت به اینکه ازدواج سرمنشاء ایجاد چرخه زندگی مشترک و تشکیل خانواده می‌باشد معمولاً عوامل متعدد فردی، اجتماعی، عاطفی و روان شناختی؛ استحکام و ثبات این نهاد اولیه و سازنده اجتماعی را ضعیف و ناپایدار می‌کنند (آماتو و ماروت، ۲۰۱۶). نحوه ارتباط اعضای خانواده، به عنوان مهم‌ترین نهاد دیر پای اجتماعی که بر پایه ی ازدواج شروع شده، در شکل‌گیری نگرش‌های اجتماعی، بازخوردهای بین فردی و توسعه ی مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده نقش بسزایی ایفا می‌کند (زارعی، میرزایی و صادقی فرد، ۱۳۹۷) به نظر لوپز و کارتر (۲۰۲۰) برقراری ارتباط درست برای هریک از اعضای خانواده امری ضروری به نظر می‌رسد و قطعاً دستیابی به یک جامعه سالم در گرو سلامت اعضای خانواده و به هم پیوستگی صحیح آن و تحقق شعار خانواده سالم مشروط به برخورداری اعضای آن از سلامت روانی و همچنین داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است. لذا درست کردن پیوندها و ارتباط‌های اعضای خانواده بی شک بازخوردهای مناسبی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. هر زمان که کانون خانواده به صورت محیطی سالم و روابط اعضا با یکدیگر گرم و تعامل صمیمانه بین فردی برقرار باشد می‌تواند موجب رشد و پیشرفت کلی خانواده و در نتیجه اعضای خانواده باشد لذا ارتباط زناشویی هسته مرکزی و اصلی سیستم خانواده و هر گونه اختلال و مشکل در آن به منزله تهدیدی واقعی برای بقا و سلامت روان تک تک اعضاء آن است (اشمیت و همکاران، ۲۰۱۷) نگاهی به آمارهای ثبت احوال کشور نشان دهنده آن است که طلاق در ایران به شکل روزافزونی در حال افزایش است که این موضوع باعث نگرانی مسئولان و کارشناسان نیز گردیده است (حشمتی و همکاران، ۱۳۹۶) و متأسفانه با روند فعلی باید انتظار داشت روند رو به رشد نگرش مثبت به طلاق همچنان تداوم داشته باشد (بیگی و حسینی، ۱۴۰۰) نرخ طلاق در چند

دهه اخیر افزایش بیش از حدی داشته و این آمار افزایشی تقریباً به صورت گسترده‌ای در بیشتر کشورها رو به افزایش است (سبارا و کوئن، ۲۰۱۷) از طرفی این رشد در تقاضای طلاق بین زوجین ایرانی نیز (ملفت و همکاران، ۱۳۹۹ و عباسی و همکاران، ۱۳۹۷) با توجه به تحولات جمعیتی کشور در چهار دهه اخیر زیادتر شده که نمونه بارز آن عادی شدن مساله طلاق است (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۰) سیر صعودی آمار طلاق، محققان را بر آن داشته تا برای یافتن عوامل مؤثر و راهکارهای مناسب جهت مقابله با فروپاشی این نهاد مهم اجتماعی با تکیه بر پژوهش‌های علمی تلاشی مضاعف داشته باشند (فولادی و شاه نعمتی، ۱۳۹۴). یکی از ناهنجاری‌های زناشویی که موجب مشکلات روانی، بی تفاوتی و طلاق در زوجین می‌شود، تعارضات زناشویی و در نتیجه عدم تعامل درست بین زوجین است (اصلاحی و همکاران، ۱۳۹۷) که در سه سطح فردی، بین فردی و فرافردی شکل می‌گیرند (ابراهیمی و محمدلو، ۱۴۰۰). قاعدتاً زوجین در رویارویی با تعارض‌های ناشی از روابط بین فردی راهبردهای مختلفی را به کار می‌گیرند و آنچه باید در این میان مورد کنکاش و مطالعه دقیق قرار گیرد بررسی نوع سبک‌های مقابله با تعارض‌های ایجاد شده در بین آنان است (کوان، ۲۰۰۴). در دانش روان‌شناسی و نظرات گوناگونی که به آن وابسته هستند، تعارض جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌توان گفت تعارض بهنجار و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (سیفرت و شوارتز، ۲۰۱۱) درمناسبات و روابط زناشویی تعارض با وجود اینکه به صورت بالقوه مخرب و غیرقابل قبول است، باوجود این قادر است با به اشتراک گذاشتن احساسات و افکار، باعث افزایش حس دوست داشتن در افراد شود و اثربخشی مثبت یا منفی آن تا حد زیادی به نوع برخورد زوجین با آن بستگی دارد (پلگ و همکاران، ۲۰۱۸) ولی همچنان برخی از اشخاص که به هر شکلی در یک رابطه عاطفی هستند، باورشان این است که در یک رابطه خوب و صمیمی نباید تعارض وجود داشته باشد. این موضوع بیشتر شبیه یک داستان رم‌نتیک و افسانه است ولی زمانی که ناگزیر تعارض ایجاد می‌شود به طور معمول به این نتیجه می‌رسند که بدون شک ایجاد این رابطه از اول اشتباه بوده است (شفر، ۲۰۱۵) دامنه تعارض صرفاً به داد زدن، جیغ کشیدن و یا کشمکش محدود نمی‌گردد، هرگونه تفاوت و وجود مغایرت در نوع باورها و تفکرات از گفتگوهای صمیمانه لذت بخش گرفته تا مشاجره‌هایی که با صدای بلند و خصمانه همراه می‌باشد در این حیطه هستند (فرکلوت و کامینگز، ۲۰۰۸) به وجود آمدن تعارضات زناشویی، در صورتی که حل و فصل نشوند در فرآیندهای روانشناختی، اجتماعی و هیجانی زوجین اختلال ایجاد می‌کنند (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۷) طلاق اتفاقی است که بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای در حال گذار گریبانگیر آن می‌باشند که با عوارض و پیامدهای منفی روانشناختی و هیجانی همچون افسردگی و اضطراب برای زوجها و فرزندان همراه است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰) بر طبق پیشینه پژوهشی در این خصوص، تعارض می‌تواند باعث ایجاد نفاق، پرخاشگری، ستیزه جویی و در نتیجه افول، انحطاط و فروپاشی خانواده گردد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۸) که طلاق، بارزترین و عملی‌ترین تأثیر مخرب تعارض می‌باشد (دی و یوجست، ۲۰۱۷). مشاورانی که در زمینه زوج درمانی و خانواده‌فعالیت می‌کنند باور دارند که کیفیت روابط زناشویی نقش بسزایی در سلامت روانشناختی زوجها ایفا می‌کند و اگر چنانچه تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر زوجین شدت یابد؛ تأثیرات جسمانی و روانی مخربی بر آن‌ها خواهد داشت (توکلی‌زاده، نجابتیان و سوری، به نقل از غزنفری و همکاران، ۱۳۹۷) یک مورد از مشکلات خاص خانواده‌هایی که درگیر تعارض هستند، در شکل پیچیده و عمیق خود معضل طلاق عاطفی می‌باشد (آرمان

پناه و همکاران، ۱۳۹۹) که به ویژه در سالهای اخیر به دلیل همه گیر شدن آن در بین زوجهای جوان نوعی واگیری گسستگی خانوادگی و تزلزل پیوندی به وجود آورده که این مسئله باعث جدایی عاطفی و احساسی بین همسران گردیده است. طلاق عاطفی نوع خاصی از پدیده پنهان در زندگی مشترک زناشویی است که می تواند نتایج زیان بخش و ناگواری برای خانواده به بار بیاورد (رشید و همکاران ۱۳۹۸).

تعارضات زناشویی و به تبع آن طلاق عاطفی بیانگر نوعی از رابطه ی زناشویی است که روبه نابودی و فروپاشی است، و این فرآیند

تنیدگی بین زن و شوهر قاعدتا به جدایی منتج می شود طلاق عاطفی به این دلیل پدیده ای چند بعدی است که هیچ وقت یک عامل به تنهایی نمی تواند باعث بروز آن گردد و هرشکلی از طلاق عاطفی، از دیدگاه علی-مقایسه ای در نوع خود متفاوت و متمایز است چون که یک زن و شوهر با توجه به تفاوت های فردی و شخصیت منحصر به فردی که دارند خانواده های اصلی، روش انتخاب همسر، سبک و خلق و خوی هر کدام رابطه ای خاص، و متفاوت فراهم می آورد (ویب و جانسون، ۲۰۱۶) طلاق عاطفی یکی از عوامل موثر و مهم در افزایش بی ثباتی ازدواج و کاستن از عملکرد صحیح خانواده ها می باشد (امیدی و طالق، ۱۳۹۶) عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و غیره در بروز و ظهور طلاق عاطفی و اقدام عملی به طلاق تاثیرگذار می باشند. هفت عامل که نقش اساسی و کلیدی در به وجود آمدن و گسترش طلاق عاطفی دارند شامل: نداشتن قید و شرط اولیه، پذیرش با قید و شرط فراوان، ازدواج اجباری و بدون عشق و علاقه، فقدان دوره نامزدی و آشنایی اولیه، عدم اختصاص زمان کافی برای ابراز علاقه و محبت، تعاملات اجتماعی ضعیف، لج و لجاجتی و مشکلات عاطفی حل نشده قبلی می باشند. تعاملات عاطفی منفی بین همسران نیز نقش بسزایی در ایجاد و گسترش طلاق عاطفی و اقدام به طلاق عملی ایفا می کند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶) شجاعی و همکاران (۱۳۹۸) طی پژوهشی نشان دادند که عملکرد زوجین با سطوح مختلف تحصیلی در به وجود آمدن تعارضات تفاوت محسوسی ندارد و صرفا در نوع آن می تواند تاثیرگذار باشد و این بیانگر این مطلب است که بروز تعارضات و تنشهای زناشویی در تمامی طبقات تحصیلی ظاهر می شود.

رویکردهای گوناگونی در جهت کمک به زوجینی که دچار تعارض شده اند ارائه گردیده که یکی از الگوهای ویژه در خصوص بررسی کارکرد خانواده، الگوی مک مستر می باشد. این مدل که مبتنی بر رویکرد سیستمی است ساختار، سازمان و الگوی تبادل واحد زناشویی را توصیف کرده و این امکان را فراهم می سازد که روابط خانوادگی یا زناشویی در یک طیف سطحی، از وضعیت سلامت روان تا اختلال شدید روانی مورد آزمایش و بررسی قرار گیرد (کارلوسن، ۲۰۰۵؛ بوترون و همکاران، ۲۰۱۵).

یکی دیگر از رویکردهای زوج درمانی، نظریه گاتمن می باشد که پژوهشهای زیادی سودمندی آنرا در حل مشکلات و تعارضات زوجین ثابت کرده اند (گاتمن، ۱۹۹۴). ارتباط هدف اصلی ازدواج بوده و برای زن و شوهر این امکان را فراهم می کند که مسایل و مشکلات خود را با تشریح مساعی به اشتراک گذارند و شایع ترین موضوعی که زوجهای ناراضی مطرح می نمایند؛ عدم موفقیت در برقراری رابطه است (روسی، هولتزورس-مونرو و رود، ۲۰۱۶) ارتباط موضوعی است که در مناسبات زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد که تعاملات شفاهی و غیرشفاهی بین اعضای خانواده را شامل می شود که در جهت تبادل اطلاعات در درون سیستم خانواده می باشد (گاتمن، ۲۰۱۹) و در میان مدل های ارتباطی خانواده که در خصوص نحوه

ایجاد ارتباط بین زوجین و چگونگی گفتگو به آموزش می‌پردازند این مدل در کاهش تعارضات خانوادگی بسیار تأثیرگذار است (تبز، ۲۰۱۵) که دو مدل یاد شده بیشترین تأکید را بر ارتباط دارند. در کل باید گفت که یکی از راهکارهای مناسب جهت کاهش تعارضات زناشویی و خانوادگی بکارگیری رویکردهای درمانی مناسب می‌باشد. در کشور ما شاهد انواع رویکردهای مداخلاتی در حیطه تعارضات خانوادگی و زناشویی می‌باشیم این گوناگونی مدلهای از یک طرف بیانگر اعتبار و ارزشمندی این مداخلات بوده و از طرف دیگر می‌تواند منجر به پیش پا افتادگی و عواقب ناخواسته گردد. بنابراین بررسی علمی و دقیق این مداخلات روانشناختی از ابعاد اثربخشی، جامعه هدف، متغیرهای مؤثر و محتوای آن‌ها می‌تواند دارای ارزش‌های بنیادین و کاربردی در این زمینه باشد (دائمی و همکاران، ۱۳۹۵).

با عنایت به نتایج مرتبط و مشترکی که از پژوهش‌ها حاصل می‌شود اهمیت مدل‌ها و الگوهای ارتباطی و نقش خاصی که بهبود ارتباطات در توانایی همسران در برابر مشکلات و برخورد با آن ایفا می‌نماید، پژوهش حاضر، به مقایسه اثر بخشی آموزش گروهی رویکردهای زوج درمانی گاتمن و مک مستر پرداخته است زیرا رویکردهای گاتمن و مک مستر، مبانی فلسفی و روش‌های درمانی متفاوت دارد. این دو رویکرد الگوهای یگانه بی نظیری برای بهبود بخشیدن به روابط زوج‌ها با دیدگاهها و مجموعه داده‌های متفاوت ارائه می‌دهند (یانگ، ۲۰۰۵) و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و باورهای فراشناختی افراد (ابراهیمی و حیدری، ۱۳۹۹) و به جهت پیچیدگی‌های خاصی که در روابط زناشویی زوجین وجود دارد، در واقع می‌توان گفت زوج درمانی کار بسیار دشوار و پیچیده‌ای است. بنابراین بکارگیری رویکردها و شیوه درمانی که بتواند فرایند مشاوره و مداخلات روانشناختی با زوجین را تسهیل کند، درمانگران را در این کار مهم و حساس یاری می‌کند (هاروی، ۲۰۱۲). بنابراین با توجه به این مطلب پژوهشگر درصدد آن است که به این سؤال پاسخ دهد: آیا الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی-سیستمی گاتمن در تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق در مرحله پس از آزمون مؤثر است؟ آیا الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی-سیستمی گاتمن در تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق در مرحله پیگیری پایدار است؟

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری بود. جامعه آماری پژوهش از کلیه زوجینی بود که بدلیل درخواست طلاق توافقی از سوی مراجع قضایی بدلیل اختلافات زناشویی از ابتدای سال ۱۳۹۹ به مرکز مشاوره روان پویش ارجاع داده شده بودند. جامعه آماری پژوهش از کلیه زوجینی است که بدلیل درخواست طلاق توافقی از سوی مراجع قضایی بدلیل اختلافات زناشویی از ابتدای سال ۱۳۹۹ به مرکز مشاوره روان پویش ارجاع داده شده اند که بصورت نمونه‌های در دسترس بوده و گمارش آن‌ها در سه گروه با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود به پژوهش بود. ۲۱ زوج انتخاب شده در ۳ گروه ۷ نفری، (۲ گروه برای اجرای مداخلات و یک گروه گواه) که بر روی هر سه گروه پیش‌آزمون، پس‌آزمون و نهایتاً آزمون پیگیری بعد از بکار بردن مداخلات اجرا شد. روش اجرا بدین ترتیب بود که فراخوانی به جهت انجام پژوهش داده شد (نصب در تابلو اعلانات کلینیک) و زوجینی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند اعلام آمادگی نمودند، پس از مشخص شدن نمونه پژوهش، پرسشنامه‌های پژوهش در میان آزمودنیها با هدف

اجرای پیش آزمون (پرسشنامه‌های طلاق عاطفی و تعارض‌های زناشویی) توزیع گردید و توضیحاتی در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها به آزمودنی‌ها داده شد که در مورد محرمانه بودن اطلاعات نیز به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. پس از تنظیم پرسشنامه‌ها و انتخاب آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار زوجین قرار گرفت سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها به آن‌ها ارائه گردید و از آزمودنی‌ها خواسته شد اگر در فرآیند تکمیل پرسشنامه با مشکلی مواجه شدند از پژوهشگر درخواست کمک نموده و سپس اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها نمایند. جلسات درمانی به صورت گروهی برای اعضای گروه‌های آزمایشی (گاتمن و مک مستر) شامل ده جلسه هفته‌ای دو جلسه ۴۵ دقیقه‌ای زوج درمانی (هر دوی زوجین) توسط پژوهشگر که تخصص و آموزش کافی در این خصوص دارد تشکیل گردید.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: رضایت آگاهانه و انگیزه کافی جهت شرکت در پژوهش، داشتن حداقل تحصیلات دیپلم، داشتن حداقل دو سال زندگی مشترک، عدم اعتیاد به مواد مخدر و محرک و نداشتن اختلالات شدید روانی بود. ملاک خروج عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و اقدام حقوقی برای طلاق است (اقدام به ادامه پیگیری برای طلاق و بی توجهی به مداخلات).

ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، دادن تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی خواهد ماند و نیازی به ذکر مشخصات فردی ندارند، خروج آزادانه از پژوهش در هر مرحله‌ای که آزمودنی بخواهد. به آزمودنی‌ها اعلام شد در طی جلسات به هر پرسشی که در رابطه با شیوه کار است پاسخ داده خواهد شد.

## ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (EDS): این پرسشنامه توسط گاتمن در سال ۲۰۰۸ با هدف سنجش طلاق عاطفی میان زوجین ساخته شده و یک روش اندازه‌گیری با روایی و پایایی قابل قبول در زمینه روابط زوجین است که توسط خود شخص تکمیل می‌شود و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق و یا مخالف باشد. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد و به شیوه بله یا خیر باید به آن جواب داد. هرچقدر میزان جوابهای بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. بعد از جمع کردن پاسخهای بله، اگر تعداد آن برابر ۸ و بالاتر بود زندگی در معرض خطر و جدایی قرار دارد در پژوهش احمدلو و زینالی به نقل از علاقه بند و همکاران (۱۳۹۹) درستی این ابزار تایید و قابلیت اعتماد آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمده است. ضریب پایایی با روش بازآزمایی ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای طلاق عاطفی در پژوهش جوکار ۰/۸۶ می‌باشد (جوکار و همکاران، ۱۳۹۶).

۲. پرسشنامه سنجش تعارض‌های زن و شوهری (MCQ-R) نسخه تجدید نظر شده ثنائی و براتی: یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری توسط ثنائی (۱۳۷۵) تجدید نظر شده به نقل از یوسفی و کریم نژاد (۱۳۹۷) ساخته شده و برای درجه بندی آن از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت استفاده شده است که عبارت‌اند از همیشه، اکثراً، گاهی، گاهی اوقات، به ندرت و هرگز. این پرسشنامه هشت بعد از تعارض‌های زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش

۱. Marital conflict questionnaire revised "mcq-<sup>2000</sup>"

واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط موثر. پرسشنامه حاضر را ثنایی و همکاران (۱۳۷۸) برای جمعیت ایرانی هنجاریابی کرده‌اند. شیوه اجراء و نمره گذاری به صورت است که با توجه سئوالات پرسشنامه که به صورت پنج گزینه‌ای (همیشه= ۵ و هرگز= ۱) تنظیم شده است؛ بنابر این حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ می‌باشد. سئوالات خرده مقیاسها عبارت است از: پرسش‌های ۴، ۱۲، ۱۸، ۲۵ و ۳۴ برای سنجش کاهش همکاری؛ پرسش‌های ۱۹، ۳۵، ۱۳، ۵ و ۴۰ برای سنجش کاهش رابطه جنسی؛ پرسش‌های ۶، ۱۴، ۲۰، ۲۷، ۳۶، ۴۲، ۵۱ و ۴۹ برای سنجش افزایش واکنش‌های هیجانی؛ پرسش‌های ۹، ۲۲، ۳۱، ۳۸ و ۴۴ برای سنجش جلب حمایت فرزندان؛ پرسش‌های ۸، ۱۵، ۲۱، ۲۹، ۳۷ و ۴۳؛ برای سنجش افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود؛ پرسش‌های ۳۲، ۲۳، ۱، ۴۶، ۵۰ و ۵۳ برای سنجش کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان؛ پرسش‌های ۲، ۱۰، ۱۷، ۲۴، ۳۳، ۳۹ و ۴۸ برای سنجش جدا کردن امور مالی از یکدیگر؛ پرسش‌های ۳، ۷، ۱۱، ۱۶، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۴۱، ۴۵، ۴۷، ۵۲ و ۵۴ برای سنجش کاهش ارتباط موثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر ۰/۹۶ بر روی یک گروه ۲۷۰ نفری مشخص شده و برای خرده مقیاس آن از این قرار است کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط موثر ۰/۶۹ گزارش شده است (ثنایی، ۱۳۸۷). روایی محتوایی مقیاس نیز توسط چند تن از اساتید و صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی و مشاوره مورد بررسی و تایید قرار گرفته است.

## روش اجرا

این پژوهش جهت تعیین اثربخشی الگوی کارکردی مک مستر و مدل سیستمی گاتمن بر کاهش تعارض‌های زناشویی و طلاق عاطفی ۲۱ زوج (هر گروه ۷ زوج) با روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و بصورت نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه می‌باشد. (با رعایت شرایط ورود به پژوهش) در این طرح سه گروه (دو گروه آزمایش و یک گروه گواه) قبل و بعد از اینکه در معرض متغیر مستقل قرار بگیرند مورد مشاهده و اندازه‌گیری قرار گرفتند. داده‌های حاصل از پیش‌آزمون پس‌آزمون در دو بخش آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آماراستنباطی تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل گردید. ضمن اینکه با توجه به ماهیت سئوال‌ها و اهداف پژوهش داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دو راهه ( آمیخته) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت روش میدانی صورت گرفت.

در این پژوهش با استفاده از انواع متون داخلی و خارجی، در رابطه با ادبیات مربوط به مفاهیم الگوی سیستمی مک مستر، رویکرد گاتمن، طلاق عاطفی و تعارض‌های زناشویی بررسی شد. در روش میدانی اطلاعات لازم با استفاده از اجرای پرسشنامه در سه مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری در میان افراد گروه نمونه پژوهش جمع‌آوری گردید.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزشی مبتنی بر الگوی مک مستر (اپشتاین و همکاران، ۱۹۷۸ به نقل از باباخانی ۱۳۹۴)

جلسه	خلاصه جلسات درمانی	تکالیف
اول	هدف: ایجاد جو همراه با اعتماد و امنیت و تشریح اهمیت خانواده، بیان قوانین و ایجاد تعهد، و دادن تکالیف	برای جلسه آینده (مطالعه و مرور موضوعات مطرح شده در ابتدای جلسه آتی)
دوم	هدف: آشنایی با مهارت حل مسئله، عوامل بازدارنده حل مسئله، یافتن راه حل‌های جایگزین، بررسی نتایج	از زوجین خواسته می‌شود مهارت حل مسئله را روی نحوه یک موضوع خاص داشته باشند.
سوم	هدف: آشنایی با اهمیت ارتباط موثر و موانع آن و توضیح نقش ارتباط موثر در روابط زوجین و انواع مشکلات ارتباطی در زمینه (موضوع شخصی، موضوعی، مناسباتی) و و تاثیر ارتباط کلامی، چشمی و لمسی.	از زوجین خواسته می‌شود روبروی هم بنشینند، حرف زدن و گوش دادن خود را تمرین کنند
چهارم	هدف: آشنایی با اصول مهارت‌های گفتگو، گوش دادن، تفاهم و صمیمیت و انواع سبک‌های گفتگو	تمرین حل مسئله با توجه به روشهای آموزش داده شده در جلسات.
پنجم	هدف: آموزش و پرداختن به مقوله چگونگی برخورد با نقشه‌ای جنسیتی (مساوات طلبانه). بررسی و چگونگی برخورد با خانواده اصلی و چشم پوشی از مشکلات ایجاد شده و درگیری عاطفی	تمرین دو نفره در جهت پذیرش نقش‌ها و نیز تقویت روابط عاطفی
ششم	هدف: پرداختن به مباحث پاسخ دهی عاطفی و نقش و اهمیت آن در رابطه زناشویی. آموزش تکنیک‌های علمی ابراز محبت.	تمرین موارد
هفتم	هدف: آموزش چگونگی شناسایی و پیش بینی موقعیت‌های خشم آور ( پاسخدهی عاطفی). ارائه راهکارهایی برای رفتار با همسر پرخاشگر و نحوه مدیریت خشم.	از زوجین خواسته می‌شود موقعیت‌های برانگیزنده خشم را بنویسند. ارائه راهکارهای عملی.
هشتم	هدف: پرداختن به مقوله درگیری عاطفی، آموزش و تقویت درگیری همدلانه میان زوجین و انواع آن مثل فقدان درگیری خالی از احساس، درگیری همدلانه	از زوجین خواسته می‌شود که نقاط ضعف و قوت ارتباط موجود بین خود و همسرشان را فهرست نموده سپس انتظاراتی که از یکدیگر دارند را توصیف کنند
نهم	هدف: پرداختن به کنترل رفتار و آشنایی با استانداردهای رفتاری قابل قبول، و ضرورت آن و حوزه نیازهای روانی، زیستی اجتماعی، خانواده و همچنین تاب آوری در برابر مشکلات و برقراری رابطه مبتنی بر احترام.	از زوجین خواسته می‌شود با کنار گذاشتن تهدیدات از کلمات احترام آمیز استفاده کنند
دهم	مروری بر مطالب فرا گرفته شده در جلسات و ارزیابی، مرور نهایی و بررسی میزان کارایی و اثر بخشی آموزش‌ها، شناسایی موانع اجرای آموزه‌ها، جمع بندی.	جمع بندی کلی و اجرای پس آزمون



## جدول ۲. خلاصه چارچوب جلسات درمان بر اساس زوج درمانی گاتمن

جلسه	خلاصه جلسات درمانی	تکالیف
اول	هدف: آشنایی، بیان اهداف، برقراری رابطه حسنه، توضیح جلسات، بیان انتظار از مراجعان و تعهد آنان به شرکت در جلسات، لزوم یادگیری مطالب و سعی در به کاربندی آن در زندگی واقعی، بیان اهمیت انجام تکالیف.	نوشتن مشکلات و آمادگی جهت شرکت فعالانه در جلسات آموزشی
دوم	هدف: اصل اول (نقشه عشق خود را اصلاح و تقویت کنید). بررسی شیوه‌های بهبود رابطه طریق شناخت بیشتر از هم در زمینه‌های عاطفی، شخصیتی، شناختی، آرمان‌ها، درک نگرانی‌ها، دغدغه‌ها و افزایش شناخت	بررسی نقشه عشق توسط خودشان، تمرین نقشه راه عشق برای کمک به تقویت شناخت و درک بهتر هم
سوم	هدف: اصل دوم تقویت حس دلبستگی و تمجید، مفاهیم، نشانه‌ها و چگونگی ایجاد دلبستگی در رابطه (آشنایی با مهارت ارتباط موثر). رفتارهای مخرب (شروع تند و خشن...) ناکارآمدی ارتباط و شیوه‌های افزایش محبت	استفاده از شروع ملایم در بحث‌ها و تمرین این روش. تمرین‌های عملی برای جلسات آتی
چهارم	هدف: اصل سوم: به جای پشت کردن به یکدیگر به سوی هم قدم بردارید؛ عشق و احساسات عاطفی زوجها، چگونگی ایجاد آن و حفظ رابطه زناشویی از سردی و یکنواختی، بررسی ۴ عامل فروپاشی رابطه: انتقاد و احترام	نوشتن رفتارهای مخرب خود و جایگزین کردن با شیوه‌های تعاملی سازنده. بحث در مورد آنها
پنجم	هدف: چهارم بگذارید همسران بر شما نفوذ داشته باشد؛ چگونگی مقابله با همسر قدرت طلب. بیان رفتارهای مخرب از جمله طغیان و آموزش اهمیت پذیرش نفوذ از سوی همسر و شریک کردن او در تصمیم‌گیری‌ها	تسلیم برای پیروزی و بازی تنازع بقا در جزیره گاتمن/ تمرین پذیرش نفوذ در مشاجرات و گفتگو
ششم	هدف: انواع مشکلات، شیوه برخورد سازنده، مسائل قابل حل، شروع مشاجرات، اقدامات جبرانی، توجه به فیزولوژیک خود، شیوه‌های آرام‌سازی و نیز راه‌های مقابله با مشکلات غیر قابل حل.	تعارض‌های خود را پیدا کنند، نوشتن مشکلات قابل حل و مشکلات دائمی. بحث روی آنها
هفتم	هدف: ادامه کار بر حل تعارضها، راه‌های غلبه بر روی موارد به بن بست رسیده و آرام کردن یکدیگر و نحوه توافق در خصوص مشکلات غیر قابل حل (ادامه). چگونگی کنترل رفتار در گفتمان و زبان بدن	نوشتن برخی از تعارضات و شیوه‌های ارتباطی برای حل با تکیه بر آموزش‌های داده شده
هشتم	هدف: اصل ششم غلبه کردن بر موانع مفهوم بن بست در روابط زناشویی، شناسایی علل بن بست. این بخش با هدف توانمند سازی رسیدن به یک نقطه مشترک با آموزش روش صحیح گفتمان صورت می‌گیرد.	این تمرینها را در محیط طبیعی اجرا، و گزارش تهیه کنند.
نهم	هدف: اصل هفتم تحقق مفهوم مشترک، ایجاد فرهنگ جدید در خانواده، آموزش مفهوم عشق و نیز بیان تفاوت‌های جنسیتی و نقش هریک از زوجین در آرام سازی بحث	مکالمه همراه با محبت و صحبت در خصوص تفاوت‌های فردی در تعارضات، اجرای قوانین در منزل، مطالعه و بررسی مطالب در جلسات و تهیه مواردی از ابهامات پیش آمده

دهم - بحث‌های پایانی/ جمع بندی جلسات و مرور نکات مهم و -  
اجرای پس آزمون

داده‌های حاصل از پیش آزمون پس آزمون در دو بخش آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آماراستنباطی (تحلیل واریانس با اندازه گیری‌های مکرر با استفاده از نرم افزار آماری SPSS) تجزیه و تحلیل شد. ضمن اینکه با توجه به ماهیت سؤال‌ها و اهداف پژوهش داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دو راهه (آمیخته) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

#### یافته‌ها

ویژگی‌های توصیفی سن شرکت‌کنندگان در پژوهش نشان داد که میانگین (انحراف معیار) سنی شرکت‌کنندگان گروه الگوی کارکردی مک مستر ۳۹/۵ (۷/۵۴)؛ مدل سیستمی گاتمن ۴۱/۱ (۸/۶۹) و میانگین سنی افراد گروه گواه ۴۰/۸ (۸/۲۱) می‌باشد. در این قسمت شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار طلاق عاطفی به تفکیک گروه‌های آزمایش و گواه و در سه مرحله پیش آزمون پس‌آزمون و پیگیری در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی طلاق عاطفی و تعارض زناشویی در سه مرحله پیش آزمون پس آزمون و پیگیری به تفکیک گروه

متغیر	گروه	شاخص آماری	پیش آزمون	پس آزمون	پیگیری
طلاق عاطفی	گواه	میانگین	۲۳/۰۰	۲۲/۹۳	۲۳/۰۰
		انحراف معیار	۱/۱۰	۱/۰۷	۱/۱۰
	مک مستر	میانگین	۲۲/۷۱	۱/۳۶	۱/۷۹
		انحراف معیار	۱/۱۳	۱/۳۹	۱/۸۰
	گاتمن	میانگین	۲۲/۸۶	۴/۳۶	۴/۶۴
		انحراف معیار	۱/۲۳	۲/۳۰	۲/۴۳
نمره کل	گواه	میانگین	۱۹۸/۱۴	۱۶۶/۶۴	۲۱۳/۰۷
		انحراف معیار	۱۴/۳۵	۸/۷۸	۱۳/۱۳
تعارضات زناشویی	مک مستر	میانگین	۲۱۲/۷۸	۸۵/۳۵	۱۰۰/۰۷
		انحراف معیار	۱۲/۵۸	۷/۵۳	۹/۷۳
گاتمن	گاتمن	میانگین	۲۰۹/۷۸	۱۰۹/۳۵	۱۳۱/۷۱
		انحراف معیار	۹/۳۳	۸/۸۰	۹/۷۶

قبل از روش تحلیل واریانس آمیخته همراه با اندازه‌گیری مکرر پیش فرض‌های آزمون آماری با استفاده از آزمون‌های ام باکس، کرویت موخلی و لوین مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۴. نتایج آزمون توزیع طبیعی نمره‌ها و آزمون همگنی واریانس‌ها

متغیر	گروه	کولموگروف-اسمیرنف	آزمون لوین	موخلی
	درجه آزادی	آماره معناداری	درجه آزادی	آماره معناداری
	درجه آزادی	آماره معناداری	درجه آزادی	آماره معناداری

طلاق عاطفی	مک- مستر	۷	۱/۱۰	۰/۱۷	۶	۰/۹۷۴	۰/۴۱۱	۲/۸۹	۰/۹۵	۰/۲۶
تعارضات	مک- گوا	۷	۰/۵۹۲	۰/۸۷	۷	۰/۲۵	۱/۰۱	۰/۸۴	۰/۶۱۸	۰/۱۸۴
زناشویی	مک- گوا	۷	۰/۸۰۹	۰/۵۲	۷	۰/۷۴۲	۰/۶۴	۰/۲۶۲	۰/۸۵۳	۰/۱۱۵

نتایج آزمون ام باکس معنادار می‌باشد. از این رو فرض صفر مبنی بر همگنی یکسانی ماتریس کوواریانس‌ها در متغیرهای مورد تایید قرار نمی‌گیرد. با این حال تحلیل واریانس در صورت برابری گروه‌ها نسبت به این مفروضه مقاوم است. نتایج آزمون لوین در پس‌آزمون و پیگیری از نظر آماری معنادار است. بنابراین شرط همگنی واریانس‌های بین گروهی رعایت شده است ( $p > 0.05$ ). نتایج آزمون کرویت مخلی به لحاظ آماری معنی‌دار است که نشان دهنده برقراری مفروضه کرویت نمی‌باشد. می‌توان نتایج را بر مبنای اپسیلون گرین هاوس تفسیر کرد.

نتایج لامبدای ویلکز حاکی از آن است که در متغیر طلاق عاطفی اثر اصلی مرحله (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) معنادار است. به عبارت دیگر دست‌کم بین میانگین دوبار از اجراها تفاوت معناداری ( $F_{(2,38)} = 949.65, P < 0.001$ ) ضریب تاثیر،  $P < 0.001$ ) وجود دارد. در متغیر طلاق عاطفی اثر تعاملی مرحله با گروه (یعنی وجود تفاوت بین گروه‌ها در طی مراحل اندازه‌گیری) معنادار است. یعنی حداقل در یکی از سه بار اندازه‌گیری بین میانگین گروه‌ها تفاوت معناداری از نظر آماری ( $F_{(4,74)} = 230.88, P < 0.001$ ) ضریب تاثیر،  $P < 0.001$ ) مشاهده شده است.

#### جدول ۵. نتایج آنالیز واریانس اندازه‌گیری مکرر برای اثرهای درون گروهی و بین گروهی

متغیر	منبع اثر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر
طلاق عاطفی	مرحله	۴۸۶۴/۳۳	۱/۱۲	۴۳۳۱/۴۲	۱۵۹۸/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷
	مرحله*گروه	۲۴۵۴/۹۵	۲/۲۴	۱۰۹۳/۰۰	۴۰۳/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵
	خطا	۱۱۸/۷۱	۴۳/۷۹	۲/۷۱			
تعارضات	مرحله	۱۶۳۵۸۸/۶۱	۱/۳۳	۱۲۲۶۹۹/۰۸	۱۰۲۵/۹۰	۰/۰۰۱	۰/۹۶
زناشویی	مرحله*گروه	۶۶۰۶۱/۱۹	۲/۶۶	۲۴۷۷۴/۴۸	۲۰۷/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۹۱
	خطا	۶۲۱۸/۸۵	۵۱/۹۹	۱۱۹/۶۰			

نتایج آزمون اثرات درون‌آزمودنی تک متغیری برای مقایسه طلاق عاطفی گروه‌های مداخله و گروه گوا، نشان داده شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۵، مقادیر F مربوط به اثرات تعاملی بین گروه‌ها و تکرار (یعنی وجود تفاوت بین گروه‌ها در طی مراحل اندازه‌گیری) در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد ( $p < 0.01$ ). معنی‌داری اثر تعاملی نشان دهنده وجود تفاوت بین روند تغییرات گروه‌ها در طی مراحل

اندازه‌گیری است. به منظور مقایسه زوجی میانگین نمرات در طی مراحل اندازه‌گیری (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری)، از آزمون تعقیبی بون‌فرونی استفاده شد که نتایج حاصل در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. آزمون تعقیبی بن‌فرونی مراحل اندازه‌گیری (پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری)

متغیر	گروه	مرحله	مرحله	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی - داری
طلاق عاطفی	گواه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۰/۰۷۱	۰/۵۳۴	۱
		پیگیری		-۳/۵۵	۰/۵۸۳	۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۰۷۱	۰/۱۶۷	۱
	مک مستر	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۲۱/۳۵	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱
		پیگیری		۲۰/۹۲	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۴۲۹	۰/۱۶۷	۰/۰۴۳
گاتمن	گواه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱۸/۵۰	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱
		پیگیری		۱۸/۲۱	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۲۸۶	۰/۱۶۷	۰/۲۸۵
	مک مستر	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۲۱/۳۵	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱
		پیگیری		۲۰/۹۲	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۴۲۹	۰/۱۶۷	۰/۰۴۳
تعارض زناشویی	گواه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۰/۰۷۱	۰/۵۳۴	۱
		پیگیری		-۳/۵۵	۰/۵۸۳	۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۰۷۱	۰/۱۶۷	۱
	مک مستر	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۲۱/۳۵	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱
		پیگیری		۲۰/۹۲	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱
		پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۴۲۹	۰/۱۶۷	۰/۰۴۳
گاتمن	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۱۸/۵۰	۰/۵۳۴	۰/۰۰۱	
	پیگیری		۱۸/۲۱	۰/۵۸۳	۰/۰۰۱	
	پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۲۸۶	۰/۱۶۷	۰/۲۸۵	

در جدول ۶ مقایسه‌های زوجی جهت بررسی تفاوت بین نمرات طلاق عاطفی در طی مراحل درمان، برای هر یک از گروه‌های مداخله و گواه آورده شده است: براساس نتایج بدست آمده در گروه گواه نیز تفاوت بین نمرات مرحله پیش‌آزمون با مراحل پس‌آزمون و پیگیری و همچنین تفاوت بین نمرات مرحله پس‌آزمون با نمرات پیگیری معنی‌دار نیست ( $p > 0/05$ ). در گروه الگوی کارکردی مک مستر تفاوت بین میانگین نمرات مرحله پیش‌آزمون با مراحل پس‌آزمون و پیگیری معنی‌دار است ( $p < 0/01$ )، و تفاوت بین نمرات مرحله پس‌آزمون با نمرات مرحله پیگیری معنی‌دار است ( $p > 0/05$ ) که بیانگر ثبات اثر درمان با گذشت زمان می‌باشد. در گروه مدل شناختی سیستمی گاتمن نیز تفاوت بین میانگین نمرات مرحله پیش‌آزمون با مراحل پس‌آزمون و پیگیری معنی‌دار ( $p < 0/05$ )، اما تفاوت بین نمرات مرحله پس‌آزمون با نمرات مرحله پیگیری

از نظر آماری معنی‌دار نیست ( $p > 0.05$ ). با توجه به وجود سه سطح در متغیر گروه‌بندی بین‌گروهی (گروه گواه، گروه مک‌مستر و گروه گاتمن) برای بررسی اثر ساده عامل بین‌گروهی از آزمون تحلیل واریانس (آنووا) در هر یک از مراحل اندازه‌گیری پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری استفاده گردید. به منظور مقایسه زوجی میانگین گروه‌ها از نظر طلاق عاطفی در طی مراحل اندازه‌گیری، از آزمون تعقیبی بن‌فرونی استفاده شد که نتایج حاصل جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۷. آزمون تعقیبی بن‌فرونی در گروه‌ها

گروه	مرحله	مرحله	اختلاف میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
پیش‌آزمون	گواه	مک‌مستر	۰/۲۸۶	۰/۴۳۹	۱/۰۰
	گواه	گاتمن	۰/۱۴۳	۰/۴۳۹	۱/۰۰
	گاتمن	مک‌مستر	-۰/۱۴۳	۰/۴۳۹	۱/۰۰
پس‌آزمون	گواه	مک‌مستر	۲۱/۵۷	۰/۶۳۳	۰/۰۰۱
	گواه	گاتمن	۱۸/۵۷	۰/۶۳۳	۰/۰۰۱
	گاتمن	مک‌مستر	-۳/۰۰	۰/۶۳۳	۰/۰۰۱
پیگیری	گواه	مک‌مستر	۲۱/۲۱	۰/۷۰۵	۰/۰۰۱
	گواه	گاتمن	۱۸/۳۶	۰/۷۰۵	۰/۰۰۱
	گاتمن	مک‌مستر	-۲/۸۶	۰/۷۰۵	۰/۰۰۱
پیش‌آزمون	گواه	مک‌مستر	-۱۴/۶۴	۴/۶۳	۰/۰۰۹
	گواه	گاتمن	-۱۱/۶۴	۴/۶۳	۰/۰۵۲
	گاتمن	مک‌مستر	۳/۰۰	۴/۶۳	۱/۰۰
پس‌آزمون	گواه	مک‌مستر	۸۱/۲۸	۳/۱۷	۰/۰۰۱
	گواه	گاتمن	۵۷/۲۸	۳/۱۷	۰/۰۰۱
	گاتمن	مک‌مستر	-۲۴/۰۰	۳/۱۷	۰/۰۰۱
پیگیری	گواه	مک‌مستر	۱۱۳/۰۰	۴/۱۵	۰/۰۰۱
	گواه	گاتمن	۸۱/۳۵	۴/۱۵	۰/۰۰۱
	گاتمن	مک‌مستر	-۳۱/۶۴	۴/۱۵	۰/۰۰۱

جدول ۷ مقایسه‌های زوجی جهت بررسی تفاوت بین نمرات طلاق عاطفی و تعارض زناشویی گروه‌ها طی مراحل درمان را نشان می‌دهد. براساس نتایج بدست آمده در پیش‌آزمون بین گروه‌ها تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. در پس‌آزمون نمرات در گروه‌های آزمایش به طور معنی‌داری کمتر از گروه گواه است ( $p < 0.05$ ). در رابطه با مقایسه دو گروه مک‌مستر و گاتمن، گروه مک‌مستر به طور معنی‌داری کمتر از گاتمن است ( $p < 0.05$ ). در مرحله پیگیری نمرات در گروه‌های آزمایش به طور معنی‌داری کمتر از گروه گواه است ( $p < 0.01$ ). در رابطه با مقایسه دو گروه مک‌مستر و گاتمن، گروه مک‌مستر به طور معنی‌داری کمتر از گاتمن است ( $p < 0.05$ ).

## بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثر بخشی الگوی کارکردی مک مستر و مدل شناختی-سیستمی گاتمن در تعارض‌های زناشویی و طلاق عاطفی متقاضیان طلاق انجام شد. نتایج نشان داد که هر دو رویکرد درمانی و مداخلات مبتنی بر آن‌ها در کاهش تعارضات زناشویی در زنان متقاضی طلاق اثر بخش بوده اند و در رابطه با مقایسه این دو مداخله باید گفت که (الگوی کارکردی مک مستر به طور محسوس و معناداری مؤثرتر از مدل شناختی سیستمی گاتمن بود).

بطور کلی نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر با نتایج بدست آمده از پژوهش کریمی، باباخانی و امیری مجد (۱۳۹۴) در بررسی اثربخشی الگوی کارکرد خانواده (مک مستر) بر صمیمیت زناشویی زوجین پژوهشی را انجام دادند همخوانی دارد، بطوریکه نتایج حاکی از آن بود که الگوی کارکرد خانواده مک مستر بر افزایش میزان بی‌آلایشی زناشویی زوجین مؤثر بوده است. در پژوهش دیگری توسط باباخانی (۱۳۹۴) اثر بخشی الگوی کارکردی مک مستر با فلدمن نشان داده شد که اثر بخشی رویکرد مک مستر در کاهش تعارض‌های زناشویی بیشتر است. سعید پور، فریبا (۱۳۹۶) تاثیر رویکرد درمانی بوئن و مک مستر بر صمیمیت، تنظیم هیجان و کارکرد خانواده در زوجین در معرض طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان رشت را مقایسه کرد. این پژوهش بر روی ۴۸ نفر از مراجعان این مراکز صورت گرفت. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس نشان از تاثیر معنادار هر دو رویکرد بر صمیمیت، تنظیم هیجان و کارکرد خانواده در زوجین داشت این نتیجه با نتایج کار پژوهشی رضایی و همکاران که میزان تاب‌آوری و کارکرد خانواده مبتنی بر مدل مک مستر صورت گرفت نیز هم راستا بود. نبوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان "بررسی اثربخشی رویکرد روانی آموزشی و رویکرد مک مستر در بهبود سازگاری بین همسران" که از بین ۶۰ زوج داوطلب بصورت تصادفی ۲۴ زوج انتخاب شده بودند صورت گرفت، نتیجه گرفتند که هر دو الگو بر افزایش سازگاری بین زوجین تاثیر مثبت معناداری دارند. در پژوهش دیگری که توسط مستوفی و همکاران (۱۳۹۸) صورت گرفت این پژوهشگران نشان دادند آموزش بر اساس الگوی مک مستر در ارتقای عملکرد خانواده معلمان زن مؤثر است. نتایج پژوهشی عبدالهی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان "بررسی اثر بخشی آموزش گروهی مبتنی بر آموزش زوج درمانی شناختی سیستمی گاتمن و آموزش الگوی مک مستر بر الگوهای ارتباطی" که بر روی ۳۰ زوج (مناطق ۱ و ۳ تهران) با نمونه در دسترس و گمارش تصادفی انجام دادند نشان دادند که هر دو رویکرد در تقویت الگوهای ارتباطی زوجین مؤثر هستند. از طرفی کار پژوهشی سید آبادی و شهابی (۱۳۹۹) زاده با موضوع "نقش کارکرد خانواده در پیش بینی باورهای نه گانه شخصیتی" که بر روی ۴۴۰ نفر صورت گرفت نشان از کاربردی بودن مدل مک مستر مخصوصا در بعد عملکرد خانواده است. دینگوال و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود که با عنوان "حمایت از کودکان و نقش حمایتی دولتها" انجام دادند بیان کردند به نظر می‌رسد که آموزش مهارت‌های کارکرد خانواده (بر اساس الگوی کارکردی مک مستر) مخصوصا در بعد ارتباطی و بطور اخص ارتباط کلامی در بالا بردن رضایت خانوادگی و کاهش تعارض‌های بین فردی اعضای خانواده بسیار حائز اهمیت است.

دایل و وانگ (۲۰۱۵) در بررسی میزان تاثیر مدل مک مستر با یک پژوهش میدانی با موضوع "بررسی عملکرد خانواده" به این نتیجه دست یافتند که بکارگیری مدل مک مستر می‌تواند محیطی را برای خانواده فراهم آورد که در ابعاد مختلف کارکردی خود و بخصوص جنبه‌های جسمانی، روانی و اجتماعی رشد فزاینده‌ای

داشته باشند. گاتمن و گاتمن (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با "عنوان عشق و دوست داشتن بعنوان یک حق طبیعی" نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌ها و مداخلات درمانی بر اساس الگوی ارتباطی مک مستر سبب ارتقای الگوهای ارتباطی زوجین متعارض می‌شود چرا که زوجین قواعد و قوانین الگوهای ارتباطی را به درستی نمی‌دانند و ارتباط خود را بر اساس همین الگوهای غلط ادامه می‌دهند و رفتارهای مشکل آفرین، اجرای همین الگوهای غلط است که نهایتاً باعث افزایش تعارض‌هایی در زوجین می‌شود. سولوسکی و بری هیل (۲۰۱۶) در پژوهش خود مبنی بر بررسی الگوهای کارگری سیستمی نتیجه گرفتند الگوهای کارکردی نامطلوب، موجب می‌شود مسائل مهم رابطه، حل نشده باقی بمانند و منجر به خشم، کینه و رفتارهای مخرب در زوجین شوند و از میان رویکردهای مختلف، الگوی مک مستر توانسته است با ارائه روشهای موثر در مسائل زوجین بسیار موثر عمل کند و باعث کاهش تعارضات زناشویی و طلاق عاطفی در زوجین شود. با توجه به محدودیت‌هایی نظیر طول مدت ازدواج و سطح تحصیلات امکان تعمیم نتایج این پژوهش به همه افراد جامعه محدود می‌باشد. با توجه به اینکه حجم نمونه محدود است لذا از تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده شد و تاثیر متغیرهای مختلف بر سطح‌های مختلف متغیر وابسته مورد مطالعه قرار نگرفت. چون در پژوهش حاضر از نمونه در دسترس استفاده شد لذا این محدودیت در تعمیم آن به همه جامعه باید مدنظر قرار گیرد. با توجه به اینکه در هر دو گروه آزمایش شونده یک پژوهشگر مداخلات را انجام داده امکان اثر تعاملی با توجه به ویژگی‌های شخصیتی آزماینده وجود دارد. با توجه به اینکه کشور ما دارای تنوع فرهنگی بسیار زیادی است لذا پژوهش در گسترده فرهنگی بیشتر و با تنوع فرهنگی متفاوت صورت پذیرد تا بتوان نتایج پژوهش را به تمامی فرهنگ‌ها تعمیم داد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه با حجم نمونه بالا صورت پذیرد تا و نتیجه کلی تر و محکم تری بدست آید. با توجه به اینکه هر دو رویکرد استفاده شده در پژوهش در بررسی نتایج، عامل کاهش طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی بودند لذا پیشنهاد می‌شود روش تلفیقی از دو رویکرد مورد پژوهش قرار گیرد. با توجه به نتایج پژوهش، کاربرد مدل مک مستر بعنوان یک رویکرد موثر در کلینیک‌های مشاوره ویژه طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

### موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه‌ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال‌ها، شرکت‌کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

### سپاسگزاری

نویسندگان پژوهش حاضر بر خود لازم دانستند که از کلیه افرادی که در پژوهش شرکت نمودند، کمال تشکر و سپاس خود را ابراز نماید.

## مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، پیش‌نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

## تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

## منابع

- ابراهیمی، لقمان و حیدری رقیه (۱۳۹۹). پیش بینی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، باورهای فراشناختی و بلوغ عاطفی زوجین. فصلنامه علمی پژوهشی مشاوره، ۱۹(۷۴): ۶۱-۲۶.
- ابراهیمی، لقمان و محمدلو، مریم (۱۴۰۰). مروری نظام مند عوامل زمینه ساز طلاق توافقی زوجین دهه اخیر در ایران (۸۸-۹۸). زن و جامعه، ۱۲: ۱۹-۲۹.
- اردلان، مارلین و اردلان، فراست (۱۳۹۵). بررسی رابطه میان عملکرد خانواده و سلامت روانی در بین کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کردستان. فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی، ۲۹۵(۱): ۲۱-۱۲.
- اصلاحی، نوشین؛ عارفی، مختار؛ حسینی السادات، سعیده و امیری، حسن (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار و شناختی-سیستمی گاتمن برهماهنگی زناشویی زوج‌های متعارض. مجله علوم روانشناختی، ۱۷(۷۱): ۸۵۶-۸۴۹.
- بیگی، میلا و حسینی، حاتم (۱۴۰۰). تفاوت نسلی در نگرش به طلاق در ایران: کاربرد الگوی چند سطحی، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۳۴: ۲۷-۴۴.
- جلالی، ندا؛ حیدری، حسن؛ داودی، حسین و آل یاسین، سید علی (۱۳۹۸). مقایسه تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر رویکرد هیجان مدار و رویکرد غنی سازی روابط گاتمن بر تعارض زناشویی گروهی از زنان شهرستان خمین. دو فصلنامه روانشناسی فرهنگی، ۳(۱): ۶۲-۴۱.
- حشمتی، رسول؛ قره داغی؛ جعفری، عیسی و قلینادگان، مریم (۱۳۹۶). پیش بینی بی رمقی زناشویی زوجین خواهان جدایی با آگاهی از شناسه‌های جمعیت شناختی، ذهن تمام عیار و تاب آوری هیجانی. نشریه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۷(۲۳): ۲۲-۱.
- دائمی، فاطمه؛ مهدوی، نفیسه؛ کیان پور، سعید؛ کیان پورو حسنی، جعفر (۱۳۹۵). بررسی یک دهه پژوهش در زمینه مداخله در تعارض‌های خانوادگی و زناشویی. مجله آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده، ۲(۲): ۱۰۱-۸۳.
- رحمانی فیروزه جاه، علی؛ جعفری باعی، محبوبه؛ فروتن، یعقوب و پهلوان، منوچهر (۱۴۰۰). تغییرات ساختار خانواده از منظر آمارهای ثبتي (مورد مطالعه: خراسان بزرگ). مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۶۰: ۴۶-۷.



رضایی، علی محمد؛ میرزاده کوه شاهی، فرشته و یعقوبی ترکی، الهام (۱۳۹۶). تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۳(۵۲): ۶۰۴-۵۸۵.

زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا و صادقی فرد، مریم (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تبیین نقش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی با میانجیگری تعارضات خانوادگی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹(۳۵): ۲۶-۱.

شجاعی، فاطمه؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، احمد و فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۸). بررسی سازگاری زناشویی و عملکرد ازدواج بر اساس میزان تفاوت سطح تحصیلی در زوجین. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۰(۳۸): ۱۱۱-۱۳۴.

عباسی، محمدباقر؛ علیزاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، سیدمحمد؛ خطیبی، آمنه و صفاکیش، محدثه (۱۳۹۷). طلاق در ایران. سازمان ثبت احوال کشور، تهران.

غضنفری، بتول. ، کشاورزی ارشدی، فرناز. ، حسنی، فریبا. ، و امامی پور، سوزان (۱۳۹۷). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب بر سبک‌های حل تعارض و کیفیت رابطه زوج‌های ناسازگار. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۱۲(۴۵): ۶۲-۴۷.

فولادی، اصغر و شاه نعمتی گاوگانی، نویده. (۱۳۹۴). بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز). جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۲): ۱۰۹.

کرایبی، امین؛ خالقی، محمد و شهیازی، مسعود (۱۴۰۰). شناسایی علل طلاق زنان فاقد فرزند (مرحله ابتدایی چرخه زندگی زناشویی). زن و جامعه، ۲: ۱۷۷-۱۸۹.

کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام و جواهری، جلوه (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبری زنان)، ۴(۵۳): ۱۲۹-۱۶۲.

متین، حسین و حیاتی، مژگان (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی ایماگوتراپی بر مکانیزم‌های دفاعی و حل مشکل زنان. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی، ۸(۳۲): ۸۷-۶۳.

ملتفت، حسین؛ شهپری، داود و هاشمی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی پویایی طلاق در ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۳. خانواده‌پژوهی، ۱۶(۶۴): ۵۶۸-۵۴۷.

مهرایی، داود (۱۳۹۹). جایگاه خانواده در تحقیقات سواد رسانه‌ای در ایران (مرور سیستماتیک). مجله جهانی رسانه (نسخه فارسی)، ۱۴(۱): ۱۲۸-۱۱۲.

## References

- Abbasi, M. B., Alizadeh, M., Omidvar Salmani, S., Hosseini, S. M., Khatibi, A., & Safakish, M. (2018). Divorce in Iran. Civil Registration Organization of the country, Tehran.
- Amato, P. R., & Marriott, B. H. (2016). A Comparison of high-and low Distress Marriages that end in Divorce. *Journal of Marriage and Family*, (69)2, 621-638.
- Ardalan, M., & Ardalan, F. (2016) Examining the relationship between family functioning and mental health among employees of Kurdistan University of Medical Sciences. *Quarterly Journal of Nursing, Midwifery and Paramedicine*, 295 (1):21-12.
- Beigi, M., & Hosseini, H. (2021). Generational difference in attitudes towards divorce in Iran: the application of the multi-level model, *Strategic Studies of Iran's Social Issues*, 34: 27-44.

- Boterhoven de Haan, K. L., Hafekost, J., Lawrence, D. Sawyer, M. G., & Zubrick, S. R. (2015). Reliability and validity of a short version of the general functioning subscale of the McMaster Family Assessment Device. *Family process*, 54(1), 116-123.
- Brown, N., McIlwraith, T., & Gonzalez, L. T. (2020). *Perspective: An Open Introduction to Cultural Anthropology*, American Anthropological Association, 2nd Edition.
- Carlson, J. Sperry. L & Lewis, JA. (2005). *Family therapy techniques*. New York: Routledge Sciences, 114 (1), 584-592.
- Daemi, F., Mahdavi, N., Kianpour, S., & Kianpour Hasani, J. (2016). A review of a decade of his expertise in the field of intervention in family and marital conflicts. *Journal of Pathology, Counseling and Family Enrichment*, 2(2):101-83.
- De Vuijst, E., & et al. (2017). Cross-sibling effects on divorce in the Netherlands. *Journal of Advances in Life Course Research*, (34)12, 1-9.
- Ebrahimi, L., & Heidari R. (2020). Prediction of emotional divorce tendency based on personality traits, metacognitive beliefs and emotional maturity of couples. *Scientific Journal of Counseling*, 19(74): 61-26.
- Ebrahimi, L., & Mohammadlou, M. (2021). A systematic review of the underlying factors of consensual divorce of couples in the last decade in Iran (88-98). *Women and Society*, 12: 19-29.
- Eslahi, N., Arefi, M., Hosseini Al-Sadat, S., & Amiri, H. (2018) Comparison of the effectiveness of Gutman's emotion-oriented and cognitive-systemic couple therapy on marital harmony of conflicted couples. *Journal of Psychological Sciences*, 17(71): 856-849.
- Faircloth WB, Cummings EM. (2008). Evaluating a parent education program for preventing the negative effects of marital conflict. *Journal of Applied Developmental Psychology*; 29 (2): 141-156.
- focused therapy. *Current Opinion in psychology*, 13, 65-69.
- Fuladi, A., & Shah Nemati Gavgani, N. (2015) on the causes of divorce in East Azarbaijan Province (Tabriz). *Cultural Research Society, Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies*, 6(2): 109
- Ghazanfari, B., Keshavarzi Arshadi, F., Hasani, F., & Emamipour, S. (2017). The effectiveness of couple therapy based on choice theory on conflict resolution styles and relationship quality of incompatible couples. *Applied Psychology Quarterly*, 12(45), 62-47.
- Gottman J, Gottman J. (2019) *The Alphabet of Couple Therapy*. Translated by Fatemeh Naderi and Abbas Moziri. Tehran: Arjmand.
- Harvey, M. *Couple Therapy*, translated by Khodabakhsh Ahmadi and Zahra Akhavi and Ali Akbar Rahimi, Tehran: Dangier Publishing, 2012; 123.
- Heshmati, R., Gharadaghi Jafari, I., & Gholizadegan, M. (2017). Prediction of marital instability of couples seeking separation with knowledge of demographic identifiers, full-fledged mind and emotional resilience. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 7(23): 1-22.
- Hewitt, B. & Churchill, B. (2020). Convergence and difference: Marriage and family life from a cross-cultural perspective *Cross-Cultural Family Research and Practice* (pp. 57-102): Elsevier.
- Jalali, N., Heydari, H., Davodi, H., & Al-Yasin, S. A. (2019). Comparison of the effect of the educational intervention based on the emotional approach and Gutman's relationship enrichment approach on the marital conflict of a group of women in Khomein city. *Bi Quarterly Journal of Cultural Psychology*, 3(1): 41-62.

- Kalantari, A., Roshan Fekr, P., & Javaheri, J. (2011). A review of three decades of research on the causes of divorce in Iran. *Quarterly Journal of the Social Cultural Council of Women and Family (Women's Leadership Studies)*, 4(53): 129-162.
- Karaei, A., Khaleghi, M., & Shahbazi, M. (2021) Identifying the causes of childless women's divorce (initial stage of marital life cycle). *Women and Society*, 2: 177-189.
- Lopez, A. G., & Cuarteros, K. G. (2020). Exploring the effects of social media on Interpersonal communication among family members. *Canadian Journal of Family and Youth*, 12(1), 66-80.
- Matin, H., & Hayati, M. (2017). The effectiveness of imagotherapy group training on women's defense mechanisms and problem solving. *Scientific Research Quarterly of Allameh Tabatabai University*, 8(32): 87-63.
- Mehrabi, D. (2020) The position of the family in media literacy research in Iran (systematic review). *World Media Journal (Persian version)*, 14(1): 112-128.
- Moltafet, H., Shahpari, D., & Hashemi, F. (2020). Examining the dynamics of divorce in Iran in the period 2004-2014. *Family Studies*, 16(64): 568-547.
- Peleg-Koriat, I., Weimann-Saks, D., & Ben-Ari, R. (2018). The relationship between power perception and couple's conflict management strategy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*
- Rahmani Firozeh Jah, A., Jafari Baei, M., Foroutan, Y., & Pahlavan, M. (2021) Changes in family structure from the perspective of registration statistics (case study: Khorasan Bozor). *Khorasan Social Cultural Studies*, 60: 7-46.
- Rezaei, A. M., Mirzadeh Koh Shahi, F., & Yaghoubi Torki, E. (2017) Emotional interactions of couples and its role in emotional divorce and divorce. *Family Studies Quarterly*, 13(52): 585-604.
- Rossi, F. S., Holtzworth-Munroe, A., & Rudd, B. N. (2016). Intimate partner violence and child custody. *Parenting plan evaluations: applied research for the family court.*
- Sbarra, D. A., & Coan, J. A. (2017). Divorce and health: Good data in need of better theory. *Journal of Current Opinion in Psychology*, (13)2, 91-95.
- Schmidt, N.M., Glymour, M.M., Osypuk, T.L.(2017). Housing mobility and adolescent mental health: The role of substance use, social networks, and family mental health in the moving to opportunity study. *SSM - Population Health*, 3, 318-325.
- Shaffer PR. (2015). *Conflict Resolution for Couples*. Shaffer PR. *Conflict Resolution for Couples*.
- Shojaei, F., Jazayeri, R., Ahmadi, A., & Fatehizadeh, M. (2019). Investigating marital compatibility and marriage performance based on the degree of educational level difference in couples. *Allameh Tabatabai University Counseling and Psychotherapy Culture Quarterly*, (10(38): 111-134).
- Siffert A, Schwarz B. (2011). Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*; 28(2): 262-277
- Tebes JM. (2015). Contextual Factors and Environmental Differences between Couples Divorce Compromised and not Compromise, *University of Buenos Aires*; 1:710.
- Weibe, S. a., & Johnson, S. M. (2017). *creating relationships that foster resilience in emotionally*
- Wilson , S.J., Jaremka, L.M., Fagundes, C.P., Andridge, R., . J., Habash, D., Belury, M.A., Kiecolt-Glaser, J.K. (2017). Shortened sleep fuels inflammatory responses to marital conflict: Emotion regulation matters. *Psychoneuroendocrinology*, 79, 74-83.
- Young,M.; & Long,L.(1998). *Counseling and therapy for couples*. New York: Brooks cole publishing company.

Zarei, E., Mirzaei, M., & Sadeghi Fard, M. (2018). Presenting a model to explain the role of communication skills and problem solving skills in preventing psychological and social injuries by mediating family conflicts. Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture, 9(35):1-26.



\*\*\*

## پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (EDS)

ردیف	عبارت	بله	خیر
۱	در این ازدواج بسیار بیشتر از آنچه که پیش بینی می‌کردم احساس تنهایی می‌کنم.		
۲	ما ( من و همسر ) آنقدرها که آرزو داشتیم بهم نزدیک نیستیم.		
۳	در این ازدواج احساس بی‌هودگی می‌کنم.		
۴	انجام کارهای مشترک برایم خسته کننده است.		
۵	حتی وقتی با هم هستیم احساس بی‌قراری و اندوه می‌کنم.		
۶	بیشتر وقتها نمی‌دانم خودم را چگونه سرگرم کنم.		
۷	گاهی در این ازدواج احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری می‌کنم.		
۸	در حسرت کسی هستم که در کنار او احساس نزدیکی کنم.		
۹	حس تنهایی بسیار آزارم می‌دهد.		
۱۰	انگار ازدواجم چیزی کم دارد.		
۱۱	کاش اطرافیانم بیشتر به من زنگ می‌زدند.		
۱۲	اغلب دلم می‌خواهد کسی را داشته‌ام که کنارش باشم.		
۱۳	احساس نمی‌کنم بخشی از زندگی کسی هستم.		
۱۴	احساس نمی‌کنم به کسی تعلق دارم.		
۱۵	اغلب به لحاظ عاطفی احساس انزوا می‌کنم.		
۱۶	در این ازدواج احساس طرد شدگی می‌کنم.		
۱۷	کسی را ندارم که به او پناه ببرم.		
۱۸	اغلب در رابطه با همسر احساس می‌کنم فراموش شده‌ام.		
۱۹	هیچ کس مرا نمی‌شناسد.		
۲۰	هیچ کس مرا درک نمی‌کند.		

		اغلب هیچ کس را ندارم که با او حرف بزنم.	۲۱
		اغلب نیاز شدیدی به داشتن یک هم صحبت احساس می کنم.	۲۲
		احساس می کنم در این ازدواج کاملا کنار گذاشته شده ام.	۲۳
		احساس جدا بودن می کنم ( با همسرم).	۲۴



\*\*\*

## پرسشنامه تعارضات زناشویی

ردیف	سئوالات	همیشه	اکثرا	گاهی	بندرت	هرگز
۱	هنگام دعوا با همسرم، رابطه من با خانواده پدر مادری او قطع می‌شود.					
۲	من و همسرم حساب‌های مالی جداگانه داریم.					
۳	حرف‌های من و همسرم بی پرده و بدون کنایه گفته می‌شود.					
۴	همسرم هر کاری از من بخواهد فراموش می‌کنم.					
۵	هنگام دلخوری من و همسرم، هیچ کدام برای رابطه جنسی پیش قدم نمی‌شویم.					
۶	من و همسرم کتک کاری می‌کنیم.					
۷	همسرم با اظهار نظرهای خود مرا تحقیر می‌کند.					
۸	هنگام دل خوری، رابطه من با خانواده پدر مادری خودم قطع می‌شود.					
۹	برای جلب فرزند "یا فرزندانم" حاضرم نظرات نا معقول او "یا آنان" را برآورده کنم.					
۱۰	بدون اطلاع همسرم، برای خود پس انداز شخصی دارم.					
۱۱	هیچ وقت احساس بدی را که نسبت به او دارم به او نمی‌گویم، چون می‌ترسم عصبانی شود.					
۱۲	وقتی همسرم از من تقاضایی دارد، خودم را به کارهای دیگر مشغول می‌کنم.					
۱۳	رابطه جنسی من با همسرم ارضا کننده نیست.					
۱۴	وقتی با همسرم دعوا می‌کنم، اتاق یا خانه را برای مدتی ترک می‌کنم.					
۱۵	به تنهایی با خانواده پدر مادری خود و خواهر و برادرانم رابطه دارم.					
۱۶	هنگامی که مشکل داریم، غالبا همسرم در جواب من سکوت اختیار می‌کند.					
۱۷	در آمد همسرم را به بهانه‌های های مختلف صرف خواسته‌های شخصی خود می‌کنم.					

					۱۸ همسر را با ناقص انجام دادن کارهایی که از من می‌خواهد تنبیه می‌کنم.
					۱۹ همسر رابطه جنسی را به من تحمیل می‌کند.
					۲۰ همسر را به رفتارهای غیر اخلاقی متهم می‌کنم.
					۲۱ از اعضای خانواده پدري و مادري ام، برای حل اختلافات خود با همسر، کمک می‌گیرم.
					۲۲ فرزند "یا فرزندانم، اسرار همسر را به من می‌گویند.
					۲۳ خانواده پدر مادری همسر، به من بی‌احترامی می‌کنند.
					۲۴ خرج خانواده، در هر صورت "آشتی یا دعوا" در اختیار من است.
					۲۵ همسر را با بی‌نظمی و نا مرتب بودن، آزار می‌دهم.
					۲۶ من و همسر بدون واسطه و مستقیم با هم صحبت می‌کنیم.
					۲۷ وقتی با همسر دعوا می‌کنم فریاد می‌زنم و ناسزا می‌گویم.
					۲۸ آرزو دارم همسر احساساتش را با من در میان بگذارد.
					۲۹ خانواده پدر مادری من، همسر را با دیگران مقایسه و به حال من دل سوزی می‌کنند.
					۳۰ از نحوه گفتگو با همسر بسیار راضی هستم.
					۳۱ فرزند یا فرزندانم یکی از عوامل مهم حفظ و تداوم رابطه زناشویی من هستند.
					۳۲ دوست یا دوستانم در جریان اختلافات من و همسر هستند.
					۳۳ من و همسر با مشارکت و توافق یکدیگر پول و درآمد خانواده را خرج می‌کنیم.
					۳۴ حوصله ام از همسر و خواسته هایش سر می‌رود.
					۳۵ هنگام دعوا، تنها رابطه من و همسر رابطه جنسی است.
					۳۶ هنگام نزاع، از همسر درخواست طلاق می‌کنم.
					۳۷ خانواده پدر و مادری من، تمام گناهها را به گردن همسر می‌اندازند.



					۳۸	هنگام دعوا بین من و همسر، فرزند یا فرزندانم از من حمایت می‌کنند.
					۳۹	حاضر نیستم برای بدهی‌های همسر از دیگران پول قرض کنم.
					۴۰	هنگام دعوا، رابطه جنسی من و همسر قطع می‌شود.
					۴۱	می‌ترسم خواسته‌های خودم را با همسر مطرح کنم.
					۴۲	با وجود داشتن همسر، از تنهایی رنج می‌برم.
					۴۳	همسر را در حضور خانواده پدر و مادری خودم، تحقیر می‌کنم.
					۴۴	هنگام دعوی من و همسر، یکی از فرزندانم زیاد مریض می‌شود و نیاز به مراقبت دارد
					۴۵	همسر شنونده خوبی است.
					۴۶	همسر و خانواده اش را در مقابل سایرین تحقیر می‌کنم.
					۴۷	در ابراز هر گونه احساس واقعی خود برای همسر، راحتیم.
					۴۸	بدون اطلاع همسر، به والدین خود پول می‌دهم و یا از آن‌ها پول می‌گیرم.
					۴۹	دعوا با همسر، مرا نسبت به فعالیت‌های خودم بی‌علاقه می‌کند.
					۵۰	با آن دسته از برنامه‌های مهمانی که با حضور خانواده همسر باشد، مخالفت می‌کنم.
					۵۱	هنگام دعوا با همسر نسبت به غذا بی‌اشتها می‌شوم.
					۵۲	باور کردن تمام حرف‌های همسر، برایم دشوار است.
					۵۳	در هنگام دعوا با همسر، رابطه من و او با دوستان مشترکمان قطع می‌شود.
					۵۴	من و همسر با یکدیگر رو راست و بی‌پرده هستیم.

## Comparing the effectiveness of McMaster's functional model and Gottman's cognitive-systemic model in marital conflicts and emotional divorce of divorce applicants

Hasan. Naseri<sup>1</sup>, Vahideh. Babakhani<sup>2\*</sup>, Mojtaba. Amiri Majd<sup>3</sup> & Alireza. Jafari<sup>4</sup>

### Abstract

**Aim:** McMaster's functional model and Gottman's cognitive-systemic model in marital conflicts and emotional divorce of divorce applicants. **Method:** The current research method was a semi-experimental type with a pre-test, post-test and follow-up design. In this research, from the number of 85 couples who referred to the psychodynamic psychological interventions clinic due to marital disputes and divorce requests during the year 2020, according to the conditions of the research and with the available sampling method, 21 couples were selected as the research sample. They were randomly placed in three groups (experimental group 1, experimental group 2 and control group). Then, the first experimental group was trained in the McMaster model (Epstein et al., 1978) during ten sessions, and the second experimental group was trained in Gottman's systemic approach (Gottman, 2019) during ten sessions. The tools used in this research were Gottman's Emotional Divorce Scale (Gottman, 2008) and Marital Conflicts Questionnaire (Sanaei, 1996), which was used in three stages: pre-test, post-test and follow-up test (three months). **Results:** The findings obtained from the two-way analysis of variance test (mixed) showed that both therapeutic approaches used in the research (McMaster and Gottman) reduced emotional divorce ( $F=1598.03$ ;  $P>0.001$ ) and the reduction of marital conflicts ( $F=207.14$ ;  $P>0.001$ ) in couples, and on the other hand, in measuring the durability of the effect, which was followed up, both approaches showed positive results. In the estimation of Bfff rrrnni's oott ccc tett, it wss fdddd thtt thre is a iinnifiaant ii ffernee btween the two approaches, and this means that the effectiveness of McMaster's approach in reducing emotional divorce as well as reducing conflicts between couples is higher compared to Gottman's approach. **Conclusion:** According to the research findings, counselors and psychologists are suggested to pay attention to McMaster's functional approach in working with couples requesting divorce.

**Keywords:** McMaster's functional model, cognitive model, Gottman's system, emotional divorce, marital conflicts.

1. PhD student, Counseling Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

2. **\*Corresponding author:** Assistant Professor, Counseling Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Email: [vahidehbabakhan@yahoo.com](mailto:vahidehbabakhan@yahoo.com)

3. Assistant Professor, Counseling Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

4. Assistant Professor, Counseling Department, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.